

فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه (دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، علمی - پژوهشی، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۴

بررسی جامعه‌شناختی کارکردهای سکوت در متون دینی، ادبی و ضرب‌المثل‌های فرهنگ ایرانی با رویکردی میان‌رشته‌ای در آموزش زبان انگلیسی

فاطمه محقق‌محبوبی (دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

fa.mohaghegh@stu.um.ac.ir

رضا پیش‌قدم (استاد آموزش زبان انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

pishghadam@um.ac.ir

آذر حسینی فاطمی (استاد آموزش زبان انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

hfatemi@um.ac.ir

چکیده

زیرساخت‌های فرهنگی در اتخاذ روش‌های مناسب برای آموزش و یادگیری اهمیت دارند. در راستای جایگاه ویژه سکوت در فرهنگ ایرانی و نقش آن در تعاملات اجتماعی با معانی گوناگونش، مقاله حاضر در چارچوب نظریه‌های هافستد (۱۹۹۱)، هال (۱۹۷۶) و ارتباط^۱ اسپربر و ویلسون (۱۹۸۶) به بررسی کارکردهای سکوت برگرفته از متون ادبی، دینی و ضرب‌المثل پرداخته است. این پژوهش با رویکرد کیفی پس از گردآوری و طبقه‌بندی کل پیکره زبانی (متون ادبی، متون دینی و ضرب‌المثل‌ها) به تجزیه و تحلیل آن‌ها پرداخت است. بررسی آماری، در کارکردهای مختلف سکوت، تفاوت معناداری را نشان داد. نتایج حاکی از آن است که در متون ادبی کارکردهای متنوع‌تری از سکوت مورد توجه بوده است. در متون ادبی و ضرب‌المثل‌ها اولویت با کارکرد عقلانی سکوت و سپس کارکرد اخلاقی آن است. همچنین در متون دینی تأکید بر کارکرد عقلانی و اخلاقی است، با این تفاوت که کارکرد اخلاقی بر کارکرد عقلانی برتری دارد. یافته‌های این پژوهش می‌تواند در ریشه‌یابی عدم گرایش به برقراری ارتباط، افزایش تعامل کلاسی و بهبود مهارت صحبت‌کردن به زبان دوم مؤثر باشد.

کلیدواژه‌ها: کارکرد عقلانی، اخلاقی، سکوت، نظریه هافستد، ارتباط.

1 Relevance theory

۱. مقدمه

اگر «سکوت» گفتن در نگفتن تعریف شود، هنگامی که گویندگان با اراده خود خاموشی را بر سخن گفتن ترجیح می‌دهند، سکوت می‌تواند برای مخاطبین خود حامل معانی و تعابیر گوناگونی از رضایت تا مخالفت باشد. این معانی و تعابیر به دلیل نسبی بودن ماهیت سکوت از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است؛ چنانکه اعتقاد جاورسکی (۱۹۹۳، ص. ۶۶) بر این است که مفهوم سکوت متغیری وابسته به بافت و فرهنگ است و این تعابیر می‌تواند در امر یاددهی یادگیری در هر فرهنگ نقش داشته باشد.

در ایران، رویکرد آموزش زبان انگلیسی در مؤسسات خصوصی که هدفش ایجاد توانش ارتباطی است، با شیوه تدریس سنتی آن در مدارس که گفتگو و تعامل در حداقل میزان قرار دارد، متفاوت است. در این فضای آموزشی جدید زبان‌آموزان، به روش‌های مختلف، به صحبت و گفتگو واداشته می‌شوند که برای زبان‌آموزان ایرانی هم ساختار زبان، واژگان و شیوه ابراز خود و هم فضای فرهنگی آموزشی در مقایسه با مدارس متفاوت است. در این فضا عنصر گفتگو و تشویق به صحبت کردن با هدف ایجاد توانش ارتباطی بسیار پُرنرگ است. مانند هر محیط آموزشی، ارزش‌های فرهنگی به‌طور قابل توجهی بر شیوه‌های تدریس، یادگیری و تعاملات درون کلاس تأثیر می‌گذارد. حال زبان‌آموزان ایرانی با ذهنیت سکوت به‌مثابه طلا و عادت به شیوه آموزشی «معلم‌محور» فضای آموزشی جدیدی را تجربه می‌کنند که به‌نظر می‌رسد انگاره‌ها و آموزه‌های فرهنگی آنان را در مورد «سکوت» به چالش می‌کشد. اینکه افراد چرا و چه زمانی سکوت اختیار کنند تابع رهنمون‌های فرهنگی هر جامعه است و در امر یادگیری زبان با هدف صحبت کردن و نوشتن به زبان انگلیسی، به‌نظر می‌رسد که زبان‌آموزان و رای ارزش‌های فرهنگی عمل می‌کنند.

از دیدگاه اصول نظری، این پژوهش با شناسایی و تجزیه و تحلیل جامعه‌شناسانه سکوت، به‌طور کلی می‌تواند به رسیدن به نظریه جامع‌تر و درک بیشتری از تفاوت‌های فرهنگی کمک کند. همچنین با طرح زاویه فرهنگی جدیدی در آموزش زبان دوم در نگاه کلان می‌توان به بازنگری در شیوه‌های تدریس و شیوه‌های پژوهش و همچنین تألیف کتاب‌های درسی با توجه

به ارزش‌های فرهنگی درباره سکوت پرداخت و راهگشای تبیین رهیافتی نو درباره رویکرد فرهنگی به آموزش و یادگیری زبان شد. به علاوه، این پژوهش در نگاهی خردتر می‌تواند مهارت‌های زبان دوم مانند صحبت کردن به زبان انگلیسی را بهبود ببخشد.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهشگران بسیاری بر این باورند که سکوت صرفاً غیاب صدا یا عدم وجود عناصر زبانی نیست، بلکه بخشی از ارتباط می‌باشد که به اندازه سخن حائز اهمیت است (بلیمز، ۱۹۹۴؛ جاورسکی، ۱۹۹۷؛ تانن و ساویل ترویکه، ۱۹۸۵).

بلیمز (۱۹۹۴، ص. ۷۸) در تعریف این سکوت یا به تعبیر او «سکوت گفتاری»^۱ می‌نویسد «جایی که قانون، سخن گفتن است، سخن نگفتن مفهومی ارتباطی پیدا می‌کند». به باور جانستون (۲۰۰۸، ص. ۷۰) نیز «سکوت یعنی هر چیزی که حضور ندارد» پس آنچه گفته نمی‌شود یا به طور غیرمستقیم و محذوف بیان شود، سکوت تعریف می‌شود (گلن، ۲۰۰۴). همچنین آگویکم (۲۰۰۲) به نقل از بانویلین (۱۹۹۳، ص. ۴۷) سکوت در تعاملات را به مثابه «کنش ارتباطی غیرکلامی» توصیف می‌کند که «مفاهیم گوناگونی را در تبعیت با تعابیر هنجارهای فرهنگی منتقل می‌کند». به همین دلیل است که سکوت در تعامل حامل معنا و ماهیتی آمیخته با ابهام دارد.

از میان پژوهش‌های انجام شده در زمینه مفاهیم و کارکردهای سکوت در ارتباطات میان فرهنگی، ناکانه (۲۰۰۵، ص. ۸) خلاصه‌ای از کارکردهای سکوت، برگرفته از مطالعات پژوهشگران مختلف، تحت عناوین سکوت «شناختی»^۲ (چافه، ۱۹۸۵)، «تعیین بخشی»^۳ (جاورسکی، ۱۹۹۳)، «اجتماعی»^۴ (جاورسکی، ۲۰۰۰) و «عاطفی»^۵ (باسو، ۱۹۷۲) ارائه کرده است که به ترتیب «سکوت شناختی» زمان یا وقفه لازم برای پردازش زبان هنگام سخن گفتن یا

1 Verbal silence

2 Cognitive

3 Discursive

4 Social

5 Affective

شنیدن است، «سکوت تعیین‌بخش» وقفه برای تشخیص واحدهای معنایی و دستوری تعریف شده است، «سکوت اجتماعی» نقش ساماندهی یا تنظیم روابط اجتماعی دارد و در آخر «سکوت عاطفی» نقش مدیریت احساسات دارد.

۲.۱. نظریه ارتباط

گرایس (۱۹۸۹) معتقد است از اساسی‌ترین ویژگی‌های ارتباطات انسانی، اعم از کلامی و غیرکلامی، بیان و تشخیص منظور است و به‌نظر می‌رسد که در تجزیه و تحلیل سکوت، «نظریه ارتباط» مناسب‌ترین دیدگاه باشد؛ زیرا سکوت به‌عنوان مفهومی غیرکلامی در بافت‌های موقعیتی گوناگون می‌تواند تعبیر و تفاسیر گوناگون داشته باشد. طبق این نظریه، در ذهن هر فرد مجموعه‌ای از تصورات به‌نام زمینه وجود دارد که ساختاری روان‌شناختی است و انگاره‌های فرد را در زمانی معین در بر می‌گیرد. هر فرد وقتی که در معرض مطالب جدید قرار می‌گیرد، انگاره‌های طرح‌شده توسط طرف مقابل را به زمینه خود اضافه می‌کند. انگاره‌های جدید ممکن است با تصورات قبلی فرد ادغام شده و انگاره‌های جدید به‌وجود آورند یا انگاره‌های قبلی را از ذهن بزایند یا آن را تقویت یا تضعیف کنند (اسپربر و ویلسون، ۱۹۸۶، ۱۹۹۵). مفهوم «ربط» در این نظریه به این معنا است که شنونده از گوینده انتظار دارد همه کوشش خود را به خرج دهد تا پیامش از حداکثر ربط برخوردار باشد و خود نیز با همین انتظار پیام دریافتی را تعبیر می‌کند؛ پس ربط مفهومی است نسبی که براساس اصل هزینه/فایده تعریف می‌شود؛ یعنی هرچه تضمینات بافتی پیام بیشتر باشد ربط آن بیشتر خواهد بود و هرچه ربط پیام بیشتر باشد تلاش و کوشش ذهنی لازم برای تعبیر آن کمتر خواهد بود (اسپربر و ویلسون، ۱۹۸۶، ۱۹۹۵).

از این واقعیت که پیام‌ها وابسته به بافت هستند و بافت مستقل از تفسیر فردی نیست، چنین برداشت می‌شود که هر پیامی، بسته به دانش و تجربه و مفروضات هر فرد از جهان پیرامونش، می‌تواند معانی ضمنی متفاوتی در شنونده القا کند. اینجاست که نقش فرهنگ در تعبیر این معانی ضمنی بسیار بااهمیت می‌شود.

۲.۲. فرهنگ و مطالعات میان‌فرهنگی

فرهنگ مقوله‌ وسیعی است که از دیدگاه‌های مختلفی به آن نگریسته شده است، اما در پژوهش کنونی فرهنگ به‌مثابه مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، باورها و رسوم مشترک اعضای جامعه که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند، تلقی شده است (دانی، کائن و مولن، ۱۹۹۸؛ کیث، ۲۰۱۱). به اعتقاد ویگوتسکی اساساً فرآیندهای شناختی با مفاهیم فرهنگی شکل می‌گیرند (۱۹۷۸). پیشقدم (۱۳۹۳) به‌نقل از هاین (۲۰۰۸) می‌نویسد عادات فکری در نتیجه تأثیر گرفتن رفتار از این ارزش‌ها و باورها شکل می‌گیرد. با این تعبیر، اگر بپذیریم در چارچوب فرهنگ، به‌تدریج تصورات ما از دنیای پیرامونمان تأثیر می‌پذیرد، در نتیجه هر فرهنگ به اعضای خود می‌آموزد که دنیا را چگونه و از چه زاویه‌ای ببینند و رفتارهای خود را چگونه شکل دهند. و نیز می‌توان نتیجه‌گیری کرد که درک ما از دیگری تابع فرهنگ ماست. در پژوهش‌های میان‌فرهنگی، یکی از رویکردهای مهم، مطالعه زیربنای روان‌شناختی فرهنگ یا ابعادی است که تبیین‌کننده تفاوت ارزش‌ها، باورها و رفتارهاست. نظریات هافستد و هال از نظریه‌های ابعادی مطرح در روان‌شناسی فرهنگی است. در نگاه هافستد جوامع شرقی که ارتباط و حفظ گروه و نقش‌های سلسله‌مراتبی در آن‌ها بسیار مهم است، بیشتر جمع‌گرا محسوب می‌شوند، در حالی که جوامع غربی که در آن‌ها بر استقلال و کامیابی فردی تأکید می‌شود، بیشتر فردگرایند. نقش‌های سلسله‌مراتبی اشاره به بُعد توزیع قدرت^۱ دارند که بیانگر میزانی است که افراد دارای قدرت در یک جامعه، کمتر نابرابری در توزیع قدرت را بپذیرند و آن را طبیعی بدانند (هافستد، ۲۰۰۱، ص. ۹۸). علی‌رغم نابرابری در توزیع قدرت در همه فرهنگ‌ها، درجه پذیرش آن نزد اعضای جامعه از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است (بری، پرتینگا، سگال و داسن، ۲۰۰۲، ص. ۱۲۱).

از دیگر ابعاد مطرح‌شده تحمل ابهام^۲ است که در جوامع شرقی در حد متوسط تا زیاد و در فرهنگ غرب (بیشتر شمال اروپا و آمریکای شمالی) کم تا متوسط ارزیابی شده است

1 Power distance index

2 Ambiguity tolerance

(گودیکانست و تینگ-تومی، ۱۹۸۸). براساس تقسیم‌بندی دیگری، جوامع شرقی در دسته بافت غنی و غربی‌ها در دسته بافت ضعیف^۱ قرار می‌گیرند (هال، ۱۹۷۶). اعتقاد هال بر این است که در بافت غنی، بیشتر اطلاعات موجود در پیام یا در محیط و موقعیت فیزیکی قرار دارد یا در درون فرد محفوظ می‌ماند در حالی که در بافت ضعیف این اطلاعات درون خود‌گد زبانی نهاده می‌شود. دلیل این امر در بافت غنی، حفظ وفاق، وجهه و ادب عنوان شده است (العیسی، ۲۰۰۳؛ گادیکانست و کیم، ۱۹۹۷؛ تینگ-تومی و کرگوی، ۱۹۹۸).

در این راستا، پژوهش‌های میان‌فرهنگی متعددی که انجام شده حکایت از نگرش متفاوت به سخن و سکوت دارد؛ چنانکه در کل جوامع جمع‌گرا برخلاف جوامع فردگرا، برای سکوت عقلانی یا متفکرانه ارزش و جایگاه والایی قائلند (کیم و مارکز، ۲۰۰۲؛ مارکز، کیتایاما و هیمن، ۱۹۹۶). در فرهنگ غرب نگرش به سکوت توأم با ارزش‌های منفی همچون ناسازگاری در روابط میان‌فردی، بی‌توجهی و بی‌علاقگی، ترس، نفی و رد و اکراه یا ناتوانی در برقراری ارتباط است (گایل، کاپلند و اسکلن، ۱۹۸۵؛ وینمن، ۱۹۹۲). همچنین، گاهی در غرب سکوت نشانه بیماری روحی یا اختلالات روانی تلقی می‌شود (فروید، ۱۹۶۱). این در حالیست که نگرش غالب در فرهنگ شرق، سکوت را برابر با عقل و دانایی و کمال می‌داند و برای رسیدن به بلوغ فکری، سکوت اختیارکردن و محاسبه نفس را توصیه می‌کند (آزوما، ۱۹۸۶؛ کیم و مارکز، ۲۰۰۲؛ می‌نامی، ۱۹۹۴).

در پیشینه کارکرد اجتماعی می‌توان به نقش سکوت به‌عنوان ابزار کنترل اجتماعی در شکل تنبیه (آگویکم، ۲۰۰۲) و سانسور (گالاسینسکی و گالاسینسکا، ۲۰۰۵) و نقش آن در تعریف و حفظ روابط قدرت در مطالعات آگویکم (۲۰۰۲) و لبرا (۱۹۸۷) اشاره کرد؛ اما یکی از کارکردهای مهم سکوت اجتماعی نقش آن به‌عنوان راهکار یا «استراتژی ادب» است. از نظر براون و لوینسون (۱۹۸۷)، پایه‌گذاران «نظریه ادب»^۲ عنصر کلیدی گفتمان ادب «حفظ حیثیت یا وجهه» در دو چهره است: «وجهه مثبت» (مورد تأیید و تمجید دیگران در کارها و رفتارها) و

1 High and low context

2 Politeness theory

«وجهه منفی»^۱ (استقلال در امور شخصی و حفظ حریم خصوصی). گافمن (۱۹۶۷، ص. ۵) نیز «حیثیت یا وجهه» را ارزش اجتماعی ایجابی‌ای دانسته است که فرد برای خود قائل می‌شود و دیگران نیز از وجود آن آگاهند و در رفتارهایشان به آن توجه می‌کنند. پس سکوت اختیار کردن می‌تواند مانع از تحمیل شدن ناخواسته یا شرمندگی در تعاملات اجتماعی شود (سیفیانو، ۱۹۹۷؛ جاورسکی و استفان، ۱۹۹۸). در همین زمینه، باور اسککن و اسککن (۱۹۹۵) بر این است که کم‌گفتاری یا سکوت یکی از راهبردهای حفظ حیثیت (وجهه منفی) یا استقلال است. تینگ-تومی معتقد است در تعریف «حفظ وجهه یا حیثیت» باید بُعد «فاصله قدرت» در نظر گرفته شود (۲۰۰۵). براساس تحقیقات هافستد (۱۹۹۱) مردمان فرهنگ‌های با بُعد فاصله قدرت زیاد، نقش‌های سلسله‌مراتبی می‌پذیرند و بیشتر جمع‌گرایند در حالی که مردمان فرهنگ‌های با بُعد فاصله قدرت کم، نقش‌های سلسله‌مراتب اجتماعی را در تعاملات به حداقل می‌رسانند و بیشتر فردگرایند.

۳. هدف پژوهش

پژوهش حاضر می‌کوشد تا به سؤال‌های زیر پاسخ دهد:

۱. آیا میان کارکردهای سکوت برگرفته از متون ادبی تفاوت معناداری وجود دارد؟
۲. آیا میان کارکردهای مختلف سکوت برگرفته از ضرب‌المثل تفاوت معناداری وجود دارد؟
۳. آیا میان کارکردهای گوناگون سکوت برگرفته از متون دینی تفاوت معناداری وجود دارد؟

۴. روش پژوهش

۴.۱. داده

متون بررسی و تحلیل‌شده در این پژوهش، شعر یا نثر شاعران و سخنوران نامدار، ضرب‌المثل‌ها، آیات و روایات در زمینه سکوت است. متون ادبی شامل ۱۳۰۴ بیت یا مضمون

1 Negative face

از شاعران و سخنوران مختلف است: قرن چهار و پنج (رودکی سمرقندی، ۱۳؛ فردوسی طوسی، ۴۷؛ فرخی سیستانی، ۲؛ عنصری بلخی، ۴؛ ناصر خسرو، ۱۰۸؛ کیکاووس بن وشمگیر، ۴۴؛ امام محمدغزالی، ۵۰)، شاعران قرن ششم و هفتم (سنایی غزنوی، ۶۰؛ خاقانی شروانی، ۱۱؛ نظامی گنجوی، ۵۴؛ عطار نیشابوری، ۸۲؛ شمس تبریزی، ۴۸؛ مولانا جلال‌الدین رومی، ۱۹۰؛ سعدی شیراز، ۹۹)، شاعران قرن هشتم تا یازدهم (حافظ، ۲۵؛ جامی، ۲۳؛ صائب تبریزی، ۱۵۱)، شاعران معاصر (ایرج میرزا، ۲۱؛ عارف قزوینی، ۱۰؛ فرخی یزدی، ۱۹؛ پروین اعتصامی، ۴۸؛ علی اسفندیاری، ۳۴؛ اخوان ثالث، ۲۴؛ سیاوش کسرایی، ۱۷؛ احمد شاملو، ۲۶؛ فریدون مشیری، ۵۱؛ هوشنگ ابتهاج، ۴۸). متون دینی شامل جلد اول کتاب *اخلاق در قرآن* (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷) که به بررسی آیات قرآنی در زمینه سکوت پرداخته، *نهج البلاغه*، *نهج الفصاحه* و پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه است و ضرب‌المثل‌ها شامل بررسی ضرب‌المثل‌های موجود در کتاب *دوازده‌هزار ضرب‌المثل فارسی* (شکوری‌راد، ۱۳۸۲) و *فرهنگ جامع ضرب‌المثل‌های فارسی* (دهگان، ۱۳۸۳) است.

لذا به منظور انجام این پژوهش از مجموع متون بررسی شده، نهایتاً از متون ادبی ۶۰۰ بیت و مضمون و ۲۵۰ ضرب‌المثل و از متون دینی ۱۸۰ روایت و آیه قرآنی درباره سکوت انتخاب و تجزیه و تحلیل آن‌ها با نسخه ۸ نرم‌افزار Nvivo انجام شد. برای متون دینی ۱۸۰ حدیث و روایت از پیامبر اکرم (ص)، حضرت علی (ع)، ائمه اطهار و آیاتی از قرآن کریم و برای متون ادبی ۲۵۰ ضرب‌المثل و ۶۰۰ بیت و متن مشهور، تجزیه و تحلیل شد. لازم به ذکر است جمع‌آوری داده‌ها تا اشباع کامل ادامه یافت؛ بدین معنی که اطلاعات جدیدی اضافه نشد.

۴. ۱. ۱. علل انتخاب این اشعار و متون

از آنجاکه در چارچوب این پژوهش امکان تحلیل تمامی متون ادبی، ضرب‌المثل‌ها و متون دینی نگاشته شده در زمینه سکوت وجود نداشت، برای متون ادبی از آثار سخنوران و شاعران فارسی‌زبان صاحب‌نام و تأثیرگذار در دوران‌های مختلف از قرن چهارم تا عصر حاضر انتخاب شد و حاصل آن ۲۷ شاعر و سخنور با نظم تاریخی است. از گفتگوهایی که

پژوهشگران با متخصصان رشته ادبیات فارسی انجام دادند، این نتیجه حاصل شد که گزینش آثار این شاعران و سخنوران به لحاظ اهمیت و تأثیرگذاری نمونه مناسبی است که بیانگر دیدگاه‌های غالب و جامع در زمینه سکوت است. برای ضرب‌المثل‌ها نیز پس از مشورت با متخصصان ادبیات، کتاب‌های *دوازده‌هزار ضرب‌المثل فارسی* و *فرهنگ جامع ضرب‌المثل‌های فارسی* به عنوان منابع اصلی انتخاب شدند. از آنجایی که پژوهشگران خود تسلط لازم را برای تفسیر آیات قرآنی نداشتند، برای بررسی آیات قرآنی مربوط به سکوت از کتاب *اخلاق در قرآن* (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸) استفاده کردند. نویسنده در فصل دوازدهم جلد اول این کتاب، به طور مفصل و مبسوط، به مضمون سکوت و آیاتی که در این باره هستند، پرداخته است. برای احادیث حضرت پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) درباره سکوت، به ترتیب کتاب‌های *نهج‌الفصاحه* و *نهج‌البلاغه* بررسی شدند. همچنین از کتاب‌های دیگری مانند *میزان‌الحکمه*، *بحارالانوار* و *اصول کافی* روایات پیامبر و امامان درباره سکوت گردآوری شدند. بسیاری از روایات مربوط به سکوت در این کتاب‌ها مشترک بودند یا با تفاوت اندکی نگاشته شده بودند.

۴.۲. روش گردآوری متون

با مطالعه به شیوه کتابخانه‌ای، آیات، روایات، ضرب‌المثل‌ها و همچنین ابیات و متون حاوی کارکرد سکوت در طول مدت ۵ ماه استخراج شد. ملاک انتخاب ابیات و متون، فراوانی اشعار و متون در این حوزه یا میزان تأثیرگذاری شاعران و نویسندگان آن بر مردم ایران زمین بوده است. برای مثال، در بخش ادبیات تعلیمی، درس پانزدهم کتاب زبان و ادبیات فارسی دوره پیش‌دانشگاهی (برای دانش‌آموزان ۱۷ تا ۱۸ ساله) به طور اخص به پرورده‌گویی از ابتدای باب هفتم بوستان سعدی پرداخته است. ملاک انتخاب ضرب‌المثل‌ها نیز صرفاً دارا بودن مضمون سکوت بوده است. در مورد قرآن، تمام آیاتی که به مضمون سکوت پرداخته و توسط عالم دینی ثبت شده انتخاب شد. روایات حضرت پیامبر و امامان نیز در باب سکوت از منابع ذکر شده استخراج شد.

پژوهش کنونی براساس نظریه داده‌بنیاد^۱ که بر نوعی استقرا استوار است و از طریق داده‌های منتج از پژوهش، نظریه تولید می‌کند، انجام شده است. در این روش، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و نظریه احتمالی نهایی با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند و پژوهشگر به جای طرح فرضیه با ورود به حوزه مورد مطالعه، به داده‌ها فرصت می‌دهد تا نظریه را پدید آورند (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸). مبنای روش کیفی استفاده‌شده که در پارادایم تفسیرگرایی قرار می‌گیرد، بر پدیداری مضمون‌ها و مقولات از داده‌ها (تا تحمیل این مقولات به داده‌ها) تأکید دارد (پاتن، ۱۹۹۰).

هرچند بر روی اصول پارادایمی حاکم بر پژوهش‌های کیفی، در ارزیابی اعتبار و پایایی آن، اتفاق نظر وجود دارد، در ارزیابی عملی و به‌کارگیری مفاهیم مربوط به آن، اتفاق نظری نیست (ایمان، ۱۳۸۸). لذا پس از اینکه تمامی اشعار و متون تحلیل شدند، برای دستیابی به اعتماد مورد نیاز، استاد راهنما بر تمام مراحل پژوهش نظارت داشت و اعتبارسنجی را دو تن از متخصصان ادبیات و الهیات انجام دادند. پس از تأیید صحت این تحلیل‌ها، فراوانی هرکدام از مقوله‌ها یا طبقه‌بندی‌ها براساس تعداد اشعار، ضرب‌المثل‌ها و آیات و روایات ارجاعی به آن مقوله، از طریق نسخه ۸ نرم‌افزار Nvivo محاسبه شد که این امر سبب افزایش سرعت و دقت فرآیندهای تحلیلی و جمع‌بندی شد. همچنین با نرم‌افزار Excel و با استفاده از تحلیل آماری مجذور کای (خی دو)، سطح معناداری فراوانی‌ها به دست آمد.

۵. تحلیل داده‌ها

۵.۱. مقوله‌ها

فرآیند تحلیل داده‌ها، با توجه به رویکرد نظریه داده‌بنیاد، طی سه مرحله کدگذاری صورت پذیرفت: ۱. کدگذاری باز؛ ۲. کدگذاری محوری؛ ۳. کدگذاری انتخابی (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸). در این مراحل که به صورت پیوسته دنبال می‌شوند، ابیات، ضرب‌المثل‌ها و متون دینی جمع‌آوری شده به صورت خط‌به‌خط تحلیل و کدگذاری شده‌اند. نخست در قالب مرحله

1 Grounded theory

کدگذاری باز، به هر مفهوم موجود یک عنوان یا برچسب داده شد و براساس ویژگی‌ها و ابعاد هر مفهوم، تعداد زیادی کدهای باز یا خام نمایان شدند. سپس در مرحله کدگذاری محوری، هر تعداد از کدهایی که به لحاظ مفهوم و ویژگی‌ها مرتبط بودند، گردآوری شده و به محوریت یک مقوله سازماندهی شدند. بدین ترتیب، پس از فرآیند شکستن متون ادبی و دینی به کدها و زیرمقوله‌ها در کدگذاری باز، در این مرحله به مرتبط کردن و دسته‌بندی آن‌ها حول محور موضوعات اصلی پرداخته شد که در اینجا ۱۳ مقوله به دست آمد. در مرحله آخر یعنی کدگذاری انتخابی، هدف یکپارچه‌سازی و پالایش داده‌ها به منظور پدیدارشدن مقوله اصلی بود، پس طبق نظر اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) تلاش بر این شد که انتخاب مقوله‌ها به گونه‌ای صورت پذیرد که مقوله اصلی استخراج شده، عمده مفاهیم پدیدآمده در مراحل قبل را پوشش دهد که در پژوهش کنونی و در این مرحله ۱۳ مقوله به ۷ مقوله یا کارکرد تقلیل یافت. در ادامه، ۷ مقوله حاصل شده توضیح داده خواهد شد.

جدول ۱. خلاصه تعاریف کارکردهای سکوت

کارکردهای سکوت	تعاریف
عقلانی	عقلانیت، خردورزی و تدبیر در پرهیز از سخن گفتن با هدف پنهان کردن کمبودها و حفظ آبرو و جان (خواه در مورد خود، خواه در مورد دیگری) می باشد. این سکوت گاه به سبب نامناسب بودن مخاطب اختیاری می شود.
اخلاقی	این نوع کارکرد ناظر به آفات زبان یعنی پرهیز از دروغ، غیبت، دشنام گویی، سخن چینی، سوگند دروغ، مدح مذموم و می باشد.
عارفانه	در این کارکرد باتسلط بر زبان و خامشی گزیدن کشف حقیقت واقع می شود یا حالتی که عارف واصل در تجربه ی دیدار خداوند و معرفت ناشی از آن زبان در می بازد.
تعلیمی	با هدف شنیدن و به گوش گرفتن بند و نصیحت، فهمیدن و بی بردن و یا فراگیری در محضر بزرگان، خردمندان و این نوع سکوت اختیاری می شود.
اختناقی	این نوع سکوت در اثر حاکمیت جور و ستم به جبر در جامعه و در غیاب دموکراسی اتفاق می افتد یا به مفهوم فریاد های در گلو شکسته می باشد که امان یا فرصتی برای ابراز آن فراهم نمی گردد.
مبادی ادب	سخن نگفتن در میان صحبت دیگران و همچنین اظهار فضل نکردن یا سخن نگفتن در مقابل بزرگان به نشانه ی ادب حاکی از این کارکرد سکوت می باشد.
مزورانه	سخن نگفتن به منظور پنهان کردن نیت واقعی، استیصال، ریاکاری و فریب می باشد.

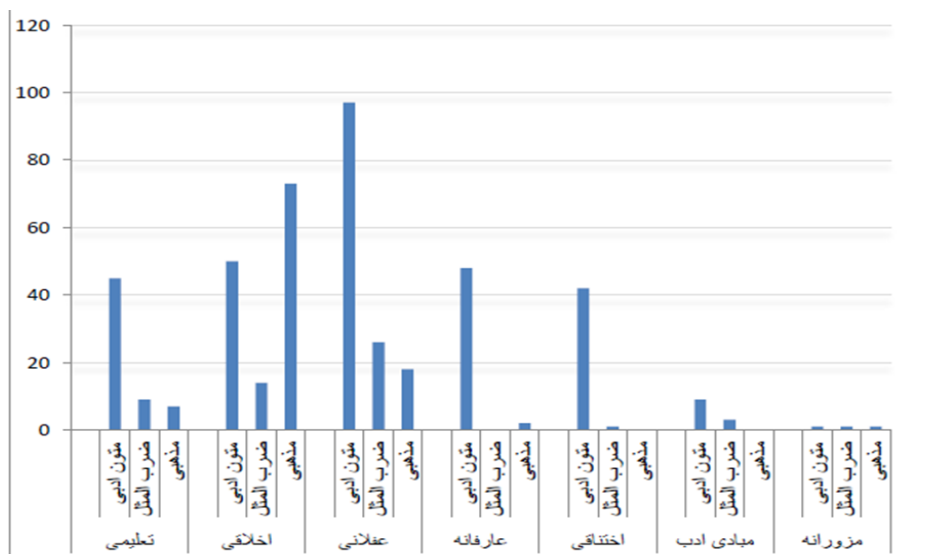
جدول ۲. نمونه‌هایی از متون برای کارکردهای سکوت

کارکردهای سکوت	نمونه‌هایی از متون
عقلانی	مرد فروبسته زبان، خوش بود دار در این طشت زبان را نگاه آن سنگ دیوانه زبان کش بود تا سرت از طشت نگرید آه نظامی گنجوی مخزن الاسرار، ص ۱۰۶ هر کس خشمش را برطرف سازد، خداوند کيفرش را از او بردارد و هر کس زبانش را نگه دارد، خداوند عیبش را پوشاند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله امالی طوسی، ص ۳۴۹، ح ۷۲۱
اخلاقی	خاموشی از کذب و غیبت واجب است زبان را مگردان به گرد دروغ (ضرب المثل) قرآن در سوره اسرا رهنمود می‌دهد: « قل لعبادی یقولون اللّٰهی احسن ان الشیطان ینزغ بینهم » (به بندگان من بگو همواره نیکوترین سخن را بگویند، شیطان آن‌ها را وادار به گفتن سخن بد نکند که موجب نزاع و دشمنی شود). (اسراء، ۵۳)
تعلیمی	«سخن‌ها بشنو و قبول کن خاصه سخن‌ها و پندهای ملوکان و حکیمان ... سخن این قوم را به گوش دل باید شنودن و اعتماد کردن» (عنصر المعالی، ۱۳۷۸: ۵۳) با هوش و سخن‌نویس می‌باش اندر سر درس گوش می‌باش (ابرج میرزا)
عارفانه	بر لبش قفس ات و در دل رازها عارفان که جام حق نوشیده‌اند مولانا جلال الدین رومی (مثنوی، دفتر ۲۲۳۸، ص ۵) ح ۱۳۴۶. (اول العبادة الصمت) اولین مرحله‌ی عبادت، سکوت است. ص ۲۳۷ پیامبر خدا (ص)
اختصاصی	سینه‌ها پر گله و لب خاموش / وه چه خاموشی سنگینی هست / در چنین تیرگی و خاموشی / حرف‌ها هست که می‌باید گفت. سیاوش کسرای (از آوا، ص ۳۰۴) خاموشی لبم نه ز بی دردی و رضاست از چشم من بین که چه غوغاست در دلم (ابتهاج، ۱۳۳۲)
مبادی ادب	میاور سخن در میان سخن نگوید سخن تا نبیند خاموش سخن بزرگان شنیدن ادب است (ضرب المثل) سخن را سرست ای خردمند و بن خداوند تدبیر و فرهنگ و هوش (گلستان سعدی - باب هفتم)
مزورانه	چو ماهی ارچه کنده زباند پیش من (دشواری‌های دیوان خاقانی، ص ۱۲۴) از آن نترس که هیاو دارد، از آن ترس که سر به تو دارد (ضرب المثل) چون مار در قفا همه زهر است نایشان

۲.۵. تحلیل کارکردهای سکوت برگرفته از متون ادبی، ضرب‌المثل‌ها و متون دینی

پس از تحلیل ابیات و متون نثر حاوی مضامین سکوت، مشخص شد از میان انواع کارکردهای سکوت استخراج‌شده از متون ادبی، کارکرد عقلانی سکوت (N=97) پُر تعدادترین

و کارکرد مزورانه سکوت (N=1) کم‌تعدادترین است. در ضرب‌المثل‌ها نیز، مشابه نتایج مستخرج از متون ادبی، کارکرد عقلانی سکوت بیشترین تعداد (N=26) و سکوت مزورانه و اختناقی (N=1) کمترین تعداد را دارند، در حالی که به کارکرد عرفانی سکوت (N=0) اصلاً اشاره‌ای نشده است. در متون دینی، کارکرد اخلاقی بیشترین تعداد (N=73) را داراست و سکوت مزورانه (N=1) کم‌تعدادترین است، این در حالیست که در این متون سکوت اختناقی و مبادی ادب (N=0) ذکر نشده‌اند.



نمودار ۱. توزیع فراوانی کارکردهای سکوت در متون ادبی، ضرب‌المثل‌ها و متون دینی

افزون بر این، تحلیل آماری مجذور کای نشان می‌دهد که تفاوت معناداری میان کارکردهای سکوت در متون ادبی وجود دارد ($\chi^2=141.52, p < 0.01$). با توجه به جدول ۱، سکوت عقلانی (N=97)، سکوت اخلاقی (N=50)، سکوت عارفانه (N=48)، سکوت تعلیمی (N=45) و سکوت اختناقی (N=42) در متون ادبی بیش از دیگر کارکردها مطرح‌اند. همچنین داده‌های این جدول نشان می‌دهد که رجال ادب، در متون ادب، بر سکوت مبادی ادب (N=9) و سکوت مزورانه (N=1) تأکید نمی‌کنند.

عقلانی < اخلاقی < عارفانه < تعلیمی < اختناقی / مبادی ادب / مزورانه

جدول ۱. نتایج آزمون مجذور کای کارکردهای سکوت در متون ادبی

Sig.	X ²	df	فراوانی مشاهده مورد انتظار	فراوانی مشاهده شده	کارکردهای سکوت
0.00	141.52	6	41.7	45.0	تعلیمی
			41.7	50.0	اخلاقی
			41.7	97.0	عقلانی
			41.7	48.0	عارفانه
			41.7	42.0	اختناقی
			41.7	9.0	مبادی ادب
			41.7	1.0	مزورانه
			292	292	کل

همچنین، تحلیل آماری مجذور کای بیانگر تفاوت معناداری میان کارکردهای مستخرج از ضرب‌المثل‌هاست ($x^2=70.96, p < .01$).

با توجه به جدول ۲، سکوت عقلانی ($N=26$)، سکوت اخلاقی ($N=14$)، سکوت تعلیمی ($N=9$) در ضرب‌المثل‌ها بیش از دیگر کارکردها اهمیت دارد. همچنین داده‌های این جدول نشان می‌دهد که سکوت عارفانه، سکوت اختناقی، سکوت مبادی ادب، سکوت مزورانه در ضرب‌المثل‌ها مورد اقبال عمومی قرار نمی‌گیرند.

عقلانی < اخلاقی < تعلیمی / مبادی ادب / اختناقی / مزورانه / عارفانه

نتایج آماری موارد فوق در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون مجذور کای کارکردهای سکوت در ضرب‌المثل‌ها

Sig.	χ^2	df	فراوانی مورد انتظار	فراوانی مشاهده شده	کارکردهای سکوت
0.00	70.96	6	7.7	9	تعلیمی
			7.7	14	اخلاقی
			7.7	26	عقلانی
			7.7	0	عارفانه
			7.7	1	اختناقی
			7.7	3	مبادی ادب
			7.7	1	مزورانه
			54	54	کل

پس از تحلیل آیات و روایات دارای مضامین سکوت مشخص شد از میان انواع کارکردهای سکوت استخراج‌شده از متون دینی، کارکرد اخلاقی سکوت (N=73) پرتعدادترین و کارکرد عقلانی سکوت (N=18) کم‌تعدادترین است. به‌علاوه، تحلیل آماری مجذور کای نشان می‌دهد که تفاوت معناداری میان کارکردهای سکوت در متون دینی وجود دارد ($\chi^2=294.53, p < 0.01$).

با توجه به جدول ۳، سکوت اخلاقی (N=73) و سکوت عقلانی (N=18) در متون دینی بیش از دیگر کارکردها مطرح‌اند. همچنین داده‌های این جدول نشان می‌دهد که سکوت عارفانه، سکوت تعلیمی، سکوت اختناقی، سکوت مبادی ادب و سکوت مزورانه در متون دینی مورد تأکید قرآن، پیامبر و امامان قرار نمی‌گیرند.

اخلاقی < عقلانی / تعلیمی / عارفانه / مزورانه / مبادی ادب / اختناقی

جدول ۳. نتایج آزمون مجذور کای کارکردهای سکوت در متون مذهبی

Sig.	X ²	df	فراوانی مورد انتظار	فراوانی مشاهده شده	کارکردهای سکوت
0.00	294.53	6	14.4	7	تعلیمی
			14.4	73	اخلاقی
			14.4	18	عقلانی
			14.4	2	عارفانه
			14.4	0	اختناقی
			14.4	0	مبادی ادب
			14.4	1	مزورانه
			101	101	کل

۶. بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر برآن بود تا با واکاوی متون ادبی، ضرب‌المثل‌ها و متون دینی، به کارکردهای سکوت در هریک از آنها از منظر فرهنگی بنگرد.

با توجه به یافته‌های این جداول می‌توان دریافت که «سکوت ارتباطی» برگرفته از آموزه‌های ادبی، معمولاً کارکردی عقلانی و خردورزانه دارد و دارای ارزش مثبت است و این نتیجه در راستای یافته‌های ازما (۱۹۸۶)، کیم و مارکز (۲۰۰۲)، مارکز، کیتایمی و هیمن (۱۹۹۶) و می‌نامی (۱۹۹۴) قرار دارد که بیانگر برابری سکوت با عقل و دانایی در فرهنگ شرق است. اگر به مفهوم «وجهه» از نظر گافمن (۱۹۹۶) و براون و لوینسون (۱۹۹۳) نگریسته شود، در جوامع جمع‌گرایی مانند ایران، سکوت اختیار کردن می‌تواند به مثابه سلاح مؤثری در

حفظ وجهه عمل کند؛ چراکه افکار و نیات و دانش شخص را در معرض نقد مخاطبین قرار نمی‌دهد و به این ترتیب، با لب از سخن فرو بستن، راه نفوذ به درون و حریم فرد سد می‌شود (وجهه منفی)، عیب‌های شخص پوشیده باقی می‌ماند، خللی به ارزش اجتماعی شخص وارد نمی‌شود، و در نتیجه شرمندگی روی نمی‌دهد (وجهه مثبت)؛ چنانکه سعدی، شاعر نامی، می‌سراید: «تا مرد سخن نگفته باشد/ عیب و هنرش نهفته باشد». در همین زمینه، اسکالن و اسکالن (۱۹۹۵) براین باورند که کم‌گفتاری یا سکوت یکی از راهبردهای (حیثیت یا وجهه منفی) یا استقلال است.

جنبه دیگر کارکرد عقلانی سکوت برگرفته از متون ادبی، علاوه بر حفظ وجهه یا حیثیت «حفظ جان» است که قبلاً شاید در پیشینه به آن اشاره نشده باشد، اما در متون ادبی و دینی به کرات به آن اشاره شده و در راستای «اصل تقیه» قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، ادبای ایرانی تحت تأثیر عوامل مشخص اجتماعی از قبیل سنگین بودن بهای اجتماعی خطا در گفتار و ترس از مجازات و اصولاً برای رهایی از عواقب نامعلوم سخن گفتن، برای سکوت ارزش ویژه‌ای قائل شده‌اند. البته این دشواری‌های اجتماعی نیز خود حاصل مسائل دیگری نظیر هجوم و مهاجرت اقوام دیگر به ایران و حاکمیت جور و فضای نامطلوب فرهنگی و اجتماعی است. پس در چنین جامعه‌ای که از یک طرف زمینه طرح و اصلاح نظرات از طریق بیان و گفتگو نباشد و شهادت و جسارت پذیرش خطا در گفتار امکان‌پذیر نباشد و از طرف دیگر به اصل اعتقادی تقیه تکیه می‌شود، با نگاهی اجمالی به شرایط سیاسی، اجتماعی و تاریخی که این سخنوران و اندیشمندان در آن می‌زیسته‌اند، این توجه ویژه به کارکرد عقلانی سکوت توجیه‌پذیر است؛ زیرا هدف آنان بقای مردم در آرامش، حفظ وحدت و انسجام گروه یا جامعه، ویژگی غالب جوامع جمع‌گرا، بوده است. پس توصیه به سکوت از دیدگاه عقلانی را می‌توان انعکاس تجربه‌های گذشته ملت ایران دانست؛ چراکه هر نسل جامعه با تأثیر از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی که از نسل پیش می‌آموزد، دارای گرایش عمومی ویژه‌ای می‌شود.

دیگر آنکه در نظریه براون و لوینسون به حفظ وجهه خود فرد و نه «دیگران» توجه شده است، در حالی که براساس کارکرد عقلانی سکوت برگرفته از متون ادب پارسی، به غیر از

خود، بر رعایت و حفظ وجهه و جان دیگران تأکید شده و این خود به دلیل اهمیت گروه، ارتباط و حفظ وفاق در جامعه‌ای جمع‌گرا مانند ایران است.

نقش عقلانی سکوت برگرفته از متون ادبی، صرفاً محدود به حفظ وجهه و جان خود یا دیگران نمی‌باشد، بلکه به نقش «سکوت و خاموشی در تمرکز یا جمعیت خاطر» و همگرایی آن با عقل و تفکر اشاره شده است، به مانند «ناطقه را بند کن و جمع باش/گرنه ضمیر تو پریشان شود» (مولانا، ۱۰۶۲۰). این در حالیست که برخلاف این بُعد از کارکرد عقلانی سکوت، ویگوتسکی بر اهمیت ویژه «زبان» در هدایت و سازمان‌دهی تفکر فرد تأکید دارد (کاکاوند، ۱۳۸۸). در کارکرد عقلانی سکوت برگرفته از متون دینی نیز به این نقش توجه شده است؛ چنانکه امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید «اکثر صمتک یتوفر فکرک و یستتر قلبک و یسلم الناس من یدک؛ بسیار خاموشی برگزین تا فکرت زیاد شود، و عقلت نورانی گردد، و مردم از دست (و زبان) تو سالم بمانند (میزان‌الحکمه، ج. ۲، ص. ۱۶۶۷) یا امام صادق (ع) می‌فرماید «دلیل العاقل التفکر و دلیل التفکر الصمت؛ نشانه عاقل فکرکردن و نشانه فکرکردن، سکوت نمودن است» (بحارالانوار، ج. ۷۵، ص. ۳۰۰). از این روایات این دیدگاه نمایان می‌شود که رابطه دقیق میان بارور شدن فکر و اندیشه با سکوت وجود دارد. دیگر آنکه شاید بتوان به نقش عقلانی سکوت برگرفته از متون دینی از منظر اصل اعتقادی تقیه نگریست. بر رازداری و حفظ اسرار مذهبی در حاکمیت‌های جور به‌ویژه در مذهب تشیع بسیار تأکید شده است و بی‌تردید برای پابرجا ماندن دین و همچنین حفظ جان پیروان، دین آنان را به کم‌گویی و مخصوصاً سکوت اختیار کردن ترغیب می‌کند.

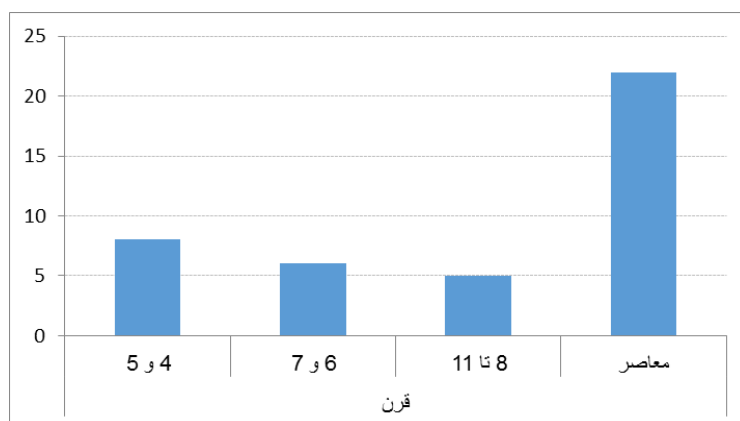
توصیه به سکوت (برگرفته از متون ادبی) در نقش اخلاقی خود تحت تأثیر عمیق آموزه‌های دینی است و با الهام از این معارف، «نقش هدایت» برای ترغیب و افزایش تقوی دارد. این کارکرد در متون دینی پُراهمیت‌ترین جایگاه را به خود اختصاص داده است. در واقع در آموزه‌های دینی توصیه بسیاری به حفظ لسان و پرهیز از پُرگویی شده است تا بدین ترتیب افراد از آفات زبانی بسیاری نظیر دروغ، غیبت، تهمت، سخن‌چینی، ناسزا و ... مصون بمانند. در واقع رفتار اجتماعی مبتنی بر کارکرد اخلاقی سکوت، عمدتاً با اصلاح درونی فرد و افزایش

حس مسئولیت‌پذیری، مشارکت‌جویی و هم‌نوع‌خواهی او همراه می‌شود؛ از این رو، مهار زبان و سکوت، بنا بر آیات قرآنی و احادیث، از یک طرف سبب وارستگی و رشد فرد می‌شود و از طرف دیگر سبب حفظ اتحاد و انسجام و دوری از تعارض و اختلاف در جامعه می‌شود.

یکی دیگر از کارکردهای سکوت برگرفته از متون ادبی، نقش عرفانی آن است؛ چنانکه ذبیح‌الله صفا (۱۳۵۵، ص. ۱۹) می‌گوید: «از موضوعاتی که مخصوصاً در قرن ششم در شعر فارسی به شدت رخنه کرد تصوف و عرفان است.» در بسیاری از متون و اشعار عرفانی، سخن از سکوت و خاموشی است؛ چنانکه سکوت، از ابزارهای رسیدن به کمالات عرفانی و سیر و سلوک، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. غزالی در این مورد می‌نویسد که اهل ریاضت و عارفان سکوت را بر خود حتم می‌داشتند (ص. ۱۱۱، ۱۳۸۶). دلیل این کارکرد سکوت از نظر کسانی همچون سنایی، عطار و مولانا اولاً می‌تواند بیان‌ناپذیری خداوند و ضعف زبان انسان باشد، دیگر آنکه خاموشی زبان می‌تواند در نتیجه فناى عارف در حق باشد. کارکرد عرفانی سکوت می‌تواند در راستای نتایج مطالعات کیم و مارکز (۲۰۰۲) و می‌نامی (۱۹۹۴) ارزیابی شود که بنا بر نظر آن‌ها، در دیدگاه غالب شرق، سکوت و محاسبه نفس برای رسیدن به کمال ضروری می‌باشد.

از آنجایی که ادبیات بیان حال جامعه است، تأکید بر نقش تعلیمی سکوت در متون ادبی بیانگر نظام ارزشی حاکم بر جامعه ایران درباره اهمیت سکوت اختیار کردن به‌منظور کسب علم و دانش یا گرفتن پند از بزرگان تا حصول یادگیری است. چنگ (۱۹۹۸) بر این باور است که در جوامع شرقی (جمع‌گرا) تعلیم و تربیت ابزاری برای اجتماعی شدن افراد است. به این ترتیب، افراد یاد می‌گیرند که خود را با نظم گروهی پیوند دهند و به‌منظور اجتناب از تعارض و همچنین حفظ وجهه خود (عدم شرمندگی) و وجهه استاد (احترام و عدم رویارویی) سکوت اختیار کنند. این گونه انتظارات رفتاری، براساس نظر مارتینسون و همکاران (۱۹۹۶)، مرتبط با گرایش مردمان جامعه جمع‌گرا به وفاق و نیز دوری از تعارض است. به نظر می‌رسد کارکرد تعلیمی سکوت برگرفته از متون ادبی، در فرهنگ ایرانی می‌تواند بیانگر دیدگاه سنتی به آموزش در جامعه‌ای سلسله‌مراتبی و معلم‌محور باشد که افراد را مکلف به گوش دادن و سکوت اختیار کردن بدون مباحثه و گفتگو با استاد و دیگران می‌کند.

بخشی از زمینه‌های اجتماعی ناشی از جبر و اختناق سبب شده است که سکوت برگرفته از متون ادبی، علاوه بر نقش‌های ذکر شده، کارکردی اعتراضی انتقادی بیابد. در این وضع، سکوت بیشتر به دلیل جبرهای مختلف و وضع و موقعیت اجتماعی به وقوع می‌پیوندد. این مضمون به‌خصوص در ادبیات معاصر و دوران مبارزه، عمدتاً علیه نظام شاهنشاهی یافت می‌شود. شاید دلیل توجه روزافزون به این نوع کارکرد سکوت را بتوان به عوامل مؤثر در تحولات عصر مشروطه و دوران پس از آن نسبت داد. عواملی مانند رفت‌وآمد نخبگان سیاسی و فکری جامعه ایران به کشورهای غربی، ورود دستگاه چاپ، گسترش روزنامه‌نگاری و در پی آن نیازهای جامعه انقلابی به بسط و گسترش فعالیت‌های فکری و سیاسی در مقابله با استبداد شاهی منجر به دگرگونی و تحول نثر و درونمایه شعر فارسی شد (یوسفی، ۱۳۷۵). به‌نظر می‌رسد همراه با مطرح‌شدن مضامینی نو همچون آزادی، وطن، قانون‌گرایی، ظلم‌ستیزی و توجه به ملت، کارکرد سکوت به‌میزان زیادی شکل معترضانه و انتقادی به وضع موجود ناشی از نابسامانی‌های اجتماعی به خود گرفته است. نمودار ۲ سیر تاریخی توجه به و تأکید بر کارکرد اختناق سکوت مستخرج از متون ادبی را از قرن چهارم تا زمان معاصر به تصویر کشیده است. دلیل این امر را شاید بتوان در «بُعد قدرت» هافستد جست‌وجو کرد که افراد هم‌زمان با تحولات عصر مشروطه و بالارفتن آگاهی، کمتر حاضر به پذیرفتن نابرابری‌ها در عرصه اجتماعی و تجمع قدرت در دست عده‌ای خاص شده‌اند.



نمودار ۲. سیر تاریخی فراوانی کارکرد اختناق سکوت

با توجه به اهمیت سکوت در فرهنگ ایرانی و همچنین نقش آن در انواع تعاملات اجتماعی از جمله محیط‌های آموزشی و مخصوصاً کلاس‌های آموزش زبان، آگاهی از کارکردهای آن می‌تواند به تسهیل امر آموزش متناسب با فرهنگ بومی بینجامد. از آنجایی که کسب مهارت ارتبای مانند صحبت کردن به انگلیسی نیازمند تعامل بیشتر در کلاس است، بی‌میلی زبان‌آموزان به برقراری ارتباط و اجتناب از گفتگو به زبان دوم می‌تواند در راستای کارکرد عقلانی سکوت تفسیر شود. همچنین به کارگیری تکنیک‌هایی همچون بارش مغزی در تدریس مهارت‌های صحبت کردن به نظر می‌رسد در تعارض با کارکرد عقلانی و تعلیمی سکوت در فرهنگ ایرانی باشد. آگاهی از این کارکردها می‌تواند به معلمین زبان در فراهم آوردن زمینه مناسب برای افزایش میزان مشارکت کلاسی فراگیران و نهایتاً بهبود مهارت‌های صحبت کردن یاری رساند. نتیجه حاصل می‌تواند رویکرد فرهنگی و بومی در اتخاذ روش‌های تدریس و تدوین کتاب‌های درسی زبان انگلیسی را برجسته سازد.

پژوهش کنونی در پی یافتن کارکردهای سکوت در متون ادبی و دینی و ضرب‌المثل‌ها بود که با پدیدار شدن این کارکردها توانست به تصویر واضح‌تری از جایگاه سکوت در فرهنگ ایرانی دست یابد. کارکردهای سکوت در متون ادبی و ضرب‌المثل‌ها بیشتر عقلانی اخلاقی و در متون دینی اخلاقی عقلانی است. پس می‌توان نتیجه گرفت که سکوت در فرهنگ ایرانی برابر با عقل و اخلاق می‌باشد. لذا این پژوهش را می‌توان به منزله آیینی‌ای از فرهنگ ایرانی تلقی نمود. همچنین این پژوهش به منزله شروعی برای پژوهش‌های بیشتر در این زمینه است. بی‌تردید انجام چنین پژوهش‌هایی با جامعه آماری متفاوت می‌تواند کاستی‌های این مطالعه را برطرف ساخته و به اعتبار یافته‌های پژوهش کمک شایانی کند.

کتابنامه

- ابتهاج، ه. (۱۳۳۲). سیاه‌مشق. تهران: کارنامه.
- ایمان، م. (۱۳۸۸). مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی. قم، ایران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پژمان بختیاری، ح. (۱۳۴۴). مخزن‌الاسرار حکیم نظامی. تهران: پیک ایران.

- پیش قدم، ر. (۱۳۹۳). آسیب شناسی روش های جمع آوری داده در مطالعات زبانی: گامی به سوی بومی سازی روش تحقیق در ایران. *جستارهای زبانی*، ۵(۲)، ۷۰-۵۵.
- طوسی، ا. (۱۳۸۸). *امالی*. ترجمه صادق حسن زاده. قم: اندیشه هادی.
- دهگان، ب. (۱۳۸۳). فرهنگ جامع ضرب المثل های فارسی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- رومی، م. (۱۳۵۳). *مثنوی*. تصحیح البین رینولد نیکلسون. تهران: امیرکبیر.
- شکورزاده، ا. (۱۳۸۲). *دوازده هزار ضرب المثل فارسی*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- کاکاوند، ع. و مصدق فیروزآبادی، ب. (۱۳۸۸). *زبان و تفکر*. کرج: سرافراز.
- کزازی، م. (۱۳۸۰). *دشواری های دیوان خاقانی*. تهران: نشر مرکز.
- کسرایی، س. (۱۳۸۷). *از آوا تا هوای آفتاب*. تهران: نگاه.
- عطار نیشابوری، ف. (۱۳۷۳). *پندنامه*. تصحیح و تحشیه سیلویستر دسایسیس، ترجمه عبدالمحمد روح بخشان. تهران: اساطیر.
- عنصرالمعالی، ک. (۱۳۶۶). *قابوس نامه*. به اهتمام غلامحسین یوسفی. تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- غزالی، م. (۱۳۸۴). *احیاء علوم الدین*. به کوشش حسین خدیو جم، ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- محبوب، م. (۱۳۵۶). *دیوان کامل ایرج میرزا*. تهران: اندیشه
- محمدی ری شهری، م. (۱۳۷۷). *میزان الحکمه*. جلد ۲. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: دارالحدیث.
- مکارم شیرازی، ن. (۱۳۸۷). *اخلاق در قرآن*: جلد ۱. قم: انتشارات امام علی بن ابیطالب.
- یوسفی، غ. (۱۳۷۵). *دیداری با اهل قلم*. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- یوسفی، غ. (۱۳۸۱). *گلستان سعدی (تصحیح و توضیح)*. تهران: خوارزمی.
- Al-Issa, A. (2003). Sociocultural transfer in L2 speech behaviors: Evidence and motivating factors. *International Journal of Intercultural Relations*, 27(5), 581-601.
- Agyekum, K. (2002). The communicative role of silence in Akan. *Pragmatics* 12(1), 31-51.
- Azuma, H. (1986). Why study child development in Japan? In H. Stevenson, H. Azuma, & K. Hakuta (Eds.). *Child development and education in Japan* (pp. 3-12). New York: Freeman.

- Berry, J.W., Portinga, Y. H., Segall, M. H., & Dasen, P. R. (2002). *Cross-cultural psychology*. Cambridge, England: Cambridge University Press.
- Bilmes, J. (1994). Constituting silence: Life in the world of total meaning. *Semiotica*, 98(1-2), 73-88.
- Brown, P. & Levinson, S. (1987). *Politeness: Some universals in language usage*. Cambridge, England: Cambridge University Press.
- Cheng, K. M. (1998). Can education values be borrowed? Looking into cultural differences. *Peabody Journal of Education*, 73(2), 11-30.
- Doney, P. M., Cannon, J. P., & Mullen, M. R. (1998). Understanding the influence of national culture on the development of trust. *Academy of management review*, 23(3), 601-620.
- Freud, S. (1961). The Ego and the Id. Strachey J, ed. and trans. The standard edition of the complete psychological works of Sigmund Freud. Vol. XIX: 251.
- Galasinski, D. & Galasinska, A. (2005). Untold stories and the construction of identity in narratives of ethnic conflict on the Polish-German border. *Multilingua*, 24, 101-120.
- Giles, H., Coupland, N., & Wienmann, J. M. (1992) 'Talk is cheap' but 'my word is my bond': Beliefs about talk. In K Bolton & H Kwok (Eds.) *Sociolinguistics today: Eastern and western perspectives* (pp. 218-243). London: Routledge.
- Glenn, K. M. (2004). Discourse of Silence in Alcanfor and "Te deix, amor, la mar com a penyora". *Institute of European Studies*.
- Goffman, E. (1967). *Interaction ritual*. New York. *Pantheon*, 91, 229-233.
- Grice, H. P. (1989). *Studies in the way of words*. Cambridge: Harvard University Press.
- Gudykunst, W. B., & Kim, Y. Y. (1997). *Communication with strangers: An approach to intercultural communication* (3rd ed.). New York, NY: McGraw-Hill
- Gudykunst, W.B. & Ting-Toomey, S. (1988). Culture and affective communication. *American Behavioral Scientist*, 31, 384-400.
- Hall, E. (1976). *Beyond culture*. New York, NY: Doubleday.
- Hofstede, G. (1991). *Cultures and organizations: Software of the mind*. London, England: McGraw-Hill.
- Hofstede, G. (2001). *Culture's consequences: Comparing values, behaviors, institutions, and organizations across nations* (2nd ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.

- Jaworski, A. (1993). *The Power of silence: Social and pragmatic perspectives*. Newbury Park, CA: Sage.
- Jaworski, A. (1997). Metacommunicative and metaphorical silences. In Adam Jaworski (ed.), *Silence: Interdisciplinary perspectives, Studies in Anthropological Linguistics* (pp. 381-401). Berlin: Mouton de Gruyter.
- Jaworski, A., & Stephens, D. (1998). Self-reports on silence as a face-saving strategy by people with hearing impairment. *International Journal of Applied Linguistics*, 8, 61-80.
- Johnstone, B. (2008). *Discourse analysis*. Malden, MA: Blackwell.
- Keith, K. D. (2011). Introduction to cross-cultural psychology". In K. D. Keith (Ed.). *Cross-cultural psychology: Contemporary themes and perspectives* (pp. 3-19). UK: Wiley- Blackwell.
- Kim, H. S., & Markus, H. R. (2002). Freedom of speech and freedom of silence: An analysis of talking as a cultural practice. In R. Shweder, M. Minow, & H. R. Markus (Eds.), *Engaging cultural differences: The multicultural challenge in liberal democracies* (pp. 432-452). New York, NY: Russell Sage Foundation.
- Lebra, T. S. (1987). The cultural significance of silence in Japanese communication. *Multilingua-Journal of Cross-Cultural and Interlanguage Communication*, 6(4), 343-358.
- Markus, H. R., Kitayama, S., & Heiman, R. J. (1996). Culture and "basic" psychological principles. In E. T. Higgins & A. W. Kruglanski (Eds.), *Social psychology: Handbook of basic principles* (pp. 857-913). New York, NY: Guilford.
- Martinsons, M. G., & Martinsons, A. B. (1996). Conquering cultural constraints to cultivate Chinese management creativity and innovation. *Journal of Management Development*, 15, 18-35.
- Minami, M. (1994). English and Japanese: A cross-cultural comparison of parental styles of narrative elicitation. *Issues in Applied Linguistics*, 5(2), 383-40.
- Patton, M. Q. (1990). *Qualitative evaluation and research methods*. London, England: Sage.
- Saville-Troike, M. (1985). The places of silence in an integrated theory of communication. In D. Tannen and M. Saville-Troike (Eds.), *Perspectives on silence* (pp. 3-18). Norwood, NJ: Ablex.
- Scollon, R. (1985). The machine stops: Silence in the metaphor of malfunction. In D. Tannen & M. Saville-Troike (Eds.), *Perspectives on silence* (pp. 21-30). Norwood, NJ: Ablex.

- Scollon, R., & Wong Scollon, S. (1995). *Intercultural communication: A discourse approach*. Cambridge, England: Blackwell.
- Sifianou, M. (1997). Silence and politeness in silence: Interdisciplinary perspectives. In Adam Jaworski (Ed.), *Studies in anthropological linguistics* (pp. 63-84). Berlin, Germany: Mouton de Gruyter
- Sperber, D. & Wilson, D. (1986). On defining relevance. In R. Grandy & R. Warner (Eds.) *Philosophical grounds of rationality: Intentions, categories, ends* (pp. 143-158). Oxford, England: OUP.
- Sperber, D. & Wilson, D. (1995). *Relevance: Communication and cognition* (2nd ed.). Oxford, England: Blackwell. Second Edition
- Strauss, A. & Corbin, J. (1998). *Basics of qualitative research* (2nd ed.). London, England: Sage
- Ting-Toomey, S. (2005). The matrix of face: An updated face-negotiation theory. In W. B. Gudykunst (Ed.), *Theorizing about intercultural communication* (pp. 211-234). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Ting-Toomey, S., & Kurogi, A. (1998). Facework competence in intercultural conflict: An updated face-negotiation theory. *International Journal of Intercultural Relations*, 22, 187-225.